

# تاریخ شمشیر سازی در ایران

نوشته: منوچهر مشتاق خراسانی

شرحی مختصر در مورد کتاب بی نظیر "Arms and Armors from Iran - 2006" که اخیراً از ایشان در آلمان منتشر

شده است .

مطالعه این کتاب به علاقمندان به تاریخ و هنر ایران قویاً توصیه میشود.

Pictures are copyright@2006: Manouchehr Moshtagh Khorasani

توضیح‌روزنه : در هر جایی که در این متن به "کتاب نگارنده" اشاره شده است منظور کتاب جدید آقای منوچهر خراسانی با نام "Arms and Armors from Iran - 2006" می باشد .

[www.arms-and-armor-from-iran.de](http://www.arms-and-armor-from-iran.de)

هنر آهنگری و شمشیر سازی در ایران تاریخ بسیار بلند و کهنی دارد. قبل از کشف فلز، اولین تیغه‌ها از سنگ اِبسیدیان (obsidian) ساخته می شدند که نمونه‌هایی از این تیغه‌ها در موزه ملی ایران نگهداری میشوند. این تیغه‌ها که از سنگ تراشیده شده اند قدمتشان به حدود ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد میرسد. برای دیدن نمونه‌های این تیغه‌ها ی سنگی به Stollner, Slotta & Vatandust, 2004: 656 مراجعه فرمائید.

کشف فلز انقلابی بنیادی در خنجر سازی و شمشیر سازی در ایران ایجاد کرد باینجست که تیغه‌های فلزی خیلی مقاوم تر و قویتر و دارای استحکام بیشتر از تیغه‌های سنگی بودند. مس اولین فلزی بود که از راه ریخته‌گری برای ساختن تیغه از آن استفاده میشد. نمونه‌های بسیاری از این تیغه‌ها ی ساخته شده از مس در منطقه ایلام، لرستان و حسن لو حفاری و کشف شده اند. بمرور زمان ریخته‌گران لرستان کشف کردند که با اضافه کردن قلع و آرسن به مس، آلیاژ جدیدی بدست می آید که بسیار مقاومتر و محکمتر از مس می باشد. این آلیاژ جدید مفرغ بود که بسیار مقاوم تر از مس بود. خنجرها و شمشیرهای مفرغی را هم از طریق ریخته‌گری در ست میکردند. برای ریخته‌گری، فلز کاران ابتدا قالب خنجر یا شمشیر را از گل یا از سنگ درست کرده و سپس مس ذوب شده را در قالب ریخته و قلع و آرسن را بآن اضافه میکردند. فلز ذوب شده نهایتاً شکل قالب را بخود میگرفت. پس از سرد شدن و سفت شدن فلز، فلز کاران قالب را شکسته و خنجر یا شمشیر مفرغی را جدا میکردند. سپس کناره‌های خنجر یا شمشیر با استفاده از سنباده پرداخت و لبه‌های آنها با چکش کاری مداوم سخت میگردد و آماده استفاده. این روش ریخته‌گری بنام ریخته‌گری با قالب رو باز معروف است ( برای توضیح بیشتر این روش لطفاً به کتاب "مفرغهای لرستان" نوشته صادق بهنام و آنیثا که، صفحه ۲۶ مراجعه فرمائید).

خنجرها و شمشیرها ابتدا با زبانه ریخته‌گری می شدند و دسته‌ها از چوب یا استخوان یا سنگ درست می شدند. دسته‌ها دارای سوراخی بودند که با فشار در روی زبانه تیغه جا سازی میشدند. بیشتر دسته‌های این نوع خنجرها و شمشیرهای کوتاه که از چوب یا استخوان درست میشدند بمرور زمان پوسیده و از بین رفته اند ( برای توضیح بیشتر این نوع خنجرهای کوتاه لطفاً به صفحه ۵۰ کتاب نگارنده مراجعه فرمائید).

ریخته‌گران لرستان بمرور زمان به این نتیجه رسیدند که با درست کردن دسته و تیغه در یک قالب، خنجرها و شمشیرهای کوتاه، محکمتر و مقاوم تر ی امکان پذیر است. در این روش ریخته‌گری دسته‌ها و تیغه‌ها در یک قالب با هم ریخته‌گری می شدند و چون دسته و تیغه از هم جدا نبودند، این مسئله باعث میشد که این نوع خنجرها و شمشیرها دارای استحکام و دوام بیشتری باشند. سپس دسته این نوع خنجرها و شمشیرهای کوتاه را با استخوان، شاخ یا سنگ پر میکردند ( برای نمونه این گونه خنجرها و شمشیرها لطفاً به کتاب نگارنده، صفحه ۴۷ مراجعه فرمائید. )

## خنجر یک پارچه مفرغی



بعضی از دسته‌های این خنجرها و شمشیرها به شکل گوش هستند و بهمین دلیل به عنوان خنجرها و شمشیرهای گوش شکل معروف بودند.

### خنجر یک پارچه مفرغی با دسته گوش شکل



یکی دیگر از کشفیات فلز کاران لرستان ریخته گری با قالب رو بسته بود. در این روش، ابتدا تیغه خنجر یا شمشیر ریخته گری میشد و بعد یک قالب رو بسته روی زبانه تیغه گذاشته میشد. نکته جالب این دسته ها این بود که با وجود مفرغی بودن، شکل دسته دوباره بصورت گوش در می آمد. شکل این دسته ها بمرور زمان با استفاده از روش "موم گمشده" مرتب تکامل می یافت و طرحهای بسیار زیبا و پیچیده ای از آن منتج می گردید. روش "موم گمشده" به این حالت بود که ابتدا دسته خنجر و شمشیر کوتاه با موم درست شده و در زبانه جایگزین میشد. دور این موم را با گل پوشانده و بعد از خشک شدن قالب گلی، مفرغ ذوب شده و گذاخته را از طریق یک سوراخ وارد قالب میکردند. مفرغ ذوب شده باعث آب کردن موم و خارج شدن از قالب گلی میشد. در این مرحله بعد از شکستن قالب، مفرغ شکل دسته موم دار را به خود میگرفت (کتاب نگارنده، صفحه ۴۸ و ۴۹)

### خنجر یک پارچه مفرغی با دسته گوش شکل مفرغی



با کشف آهن، فلز کاران و آهنگران لرستان، فلز دیگری را کشف کردند که به آنها امکان این را می داد که اسلحه های مقاومتری از مفرغ درست کنند. در دوره اولین آهن، از آنجا که اسلحه های آهنی استحکام لازم را نداشتند، از آهن و مفرغ تواما استفاده میشد. یکی از شمشیرهای بسیار جالب این دوره شمشیر آهنی ماسک دار بود. این شمشیر که از قسمت های مختلف آهنی درست میشد، دارای سمبلهای مختلفی بود. در یکی از این نمونه ها، در دو طرف قبه شمشیر دو صورت انسان ریش دار به صورت ماسک می بینیم که نمای جالبی دارد. (برای دیدن نمونه های دیگر لطفاً به Haercick & Overlaet, 1995:25 مراجعه فرمائید)

### شمشیر آهنی ماسک دار



بعد از ورود قوم های آریائی به فلات ایران، به خصوص در دوره مادها و هخامنشیان، اسلحه های جدیدی وارد ایران شد. یکی از این اسلحه ها، شمشیر کوتاه مادی و هخامنشی بود که یونانی ها آنرا "آکناکس" می خواندند (Koch, 2000:257. & Burton, 1987:212). پوردوود (۱۳۴۷:۴۳۰) توضیح میدهد که اسم این شمشیر کوتاه، مستقیم و دو لب در زبان کهن پارسی معلوم نیست. تیغه آکناکس از آهن درست میشد. یحیا زکا در کتاب "ارتش شاهنشاهی ایران از کورش تا پهلوی ی صفحات ۷۶-۷۰:۱۳۵۰) با بررسی سنگ نبشته های تخت جمشید بین آکناکس مادی و آکناکس هخامنشی تفاوت می گذارد. این تفاوت بر بنای روش حمل کردن شمشیر بنا شده است (برای توضیحات بیشتر در مورد شمشیرهای هخامنشی به کتاب نگارنده صفحات ۷۰-۶۶ مراجعه فرمائید)..

### شمشیر طلائی آکناکس



در دوره پارتها، شمشیرهای بلند و مستقیم و دو لب از آهن و یا فولاد ساخته میشدند. چهار نمونه از این تیغه های شمشیرهای پارتی در موزه ملی ایران نگهداری میشوند و طول آنها بین ۶۷ تا ۸۷ سانتیمتر است (برای بررسی دقیق این شمشیرها لطفاً به صفحات ۷۱-۷۷ کتاب نگارنده مراجعه فرمائید).

### شمشیر پارتی



شمشیرهای دوره ساسانی مانند شمشیرهای پارتیان در ابتدا در جلوی بدن حمل میشدند. غلافهای این شمشیرها دارای یک گیره در وسط غلاف نزدیک به دهانه آن بودند که با رد کردن بندی از غلاف میتوانستند آنرا در جلوی بدن حمل کنند. بعدها در دهه های آخر دوره ساسانیان غلافهای شمشیرها مجهز به دو گیره شدند که امکان حمل شمشیر بصورت افقی میسر گردید. بر اساس آنچه که از این شمشیرها باقی مانده و تعدادی از آنها در موزه های ایران نگهداری میشوند، میتوان انواع این شمشیرها را به چهار نوع تقسیم کرد.

۱- شمشیرهای دارای محافظ دسته

۲- شمشیرها با دوگیره غلاف و با تزئینات بشکل پر

۳- شمشیرهای بدون گیره غلاف و با تزئینات بشکل پر

۴- شمشیرهای ساسانی با دسته دوشاخه

(برای نمونه های شمشیرهای ساسانی لطفاً به کتاب نگارنده صفحات ۸۷ تا ۹۲ و همچنین Masia, 2000: 256 to 258 مراجعه فرمائید).



برخلاف تصور خیلی از محققین، اعراب در حین حمله به ایران دارای شمشیرهای منحنی (قراچوری) نبودند. در زمان یزدگرد سوم اعراب مانند ایرانیان از شمشیرهای مستقیم و دولب بلند استفاده میکردند. نمونه‌های این شمشیرها را می‌توان در موزه توپکاپی در استانبول دید. اولین ذکر شمشیرهای منحنی را میتوان در دست نوشته "الجاهیز" در دوره عباسی دید که خراسانیان آن دوره به غلاف‌های کج خود می‌نازیدند (Al-sarat, 2002: 171). در دستخط "آداب الحرب و الشجاعة"، مبارک شاه فخرمدبر، بین قراچوری و شمشیر تفاوت گذاشته و قید می‌کند که ترک‌ها قراچوری را به شمشیر ترجیح میدادند. وی همچنین ذکر میکند که قراچوری بلند تر از شمشیر و ضمناً کج بوده است. باید به این مسئله توجه کرد که بر روی اسب شمشیر منحنی از شمشیر مستقیم بسیار سریعتر قابل استفاده بود. این مسئله باعث شد که پس از حمله مغول به ایران، شمشیرهای منحنی که بوسیله سواران مغول هم استفاده میشد به تدریج جای شمشیرهای مستقیم را نه فقط در ایران و چین بلکه در کشورهای عربی و عثمانی نیز بگیرد.

یکی از بزرگترین شاهکارهای هنرهای دستی ایران در دوره تیموری، صفویه، افشاریه و قاجار درست کردن شمشیرهای منحنی بود. در منابع بین المللی، در خارج از ایران، محققین به اشتباه تصور میکنند که لغت "شمشیر" فقط برای شمشیرهای منحنی استفاده میشود. در صورتی که ما می‌دانیم که شمشیر در زبان فارسی یک لغت کلی است و نوعهای مختلف شمشیر را توجیح میکند و این مسئله هیچ ربطی به انحنا و یا به کج بودن آن ندارد. با همین تصور اشتباه، تصور میشود که شمشیر ایرانی در دوره شاه عباس صفوی بالاترین درجه انحنا را داشته در صورتی که شمشیرهای ایرانی با انحنا زیاد حتی در دوران تیموری در ایران ساخته میشدند. نمونه‌های این شمشیرها در موزه ملی ایران و موزه نظامی تهران نگهداری میشوند. بایستی باین مسئله توجه کرد که لغت "شمشیر" در زبان پهلوی وجود داشته و بآن شمشیر و یا شمشیل نیز اطلاق میشده. (Mackenzie 1971).

دهخدا در لغت نامه خود توضیح میدهد که لغت شمشیر از دو قسمت "شم" و "شیر" تشکیل شده است. شم به معنای دم و شیر به معنای شیر و شمشیر به معنای "دم شیر". برخلاف نظر برخی از محققین غربی، شمشیر به معنای "خم مانند دم شیر" را نمیدهد و تنها معنای "دم شیر" را می‌دهد. برخی از ترجمه‌ها اصلاً ربطی به معنای اصلی شمشیر ندارند. سید حیدر زفار، (Haider Syed Zafar's book "Islamic Arms and Armour of Muslim India - 1991: 171) شمشیر را به معنای "خم مانند پنجه ببر" ترجمه میکند که ترجمه درستی نیست.

### شمشیر منحنی دوره صفویه



تیغه شمشیرهای خوب ایرانی از فولاد جوهر دار ساخته میشود. فولاد جوهر دار از مخلوط کردن چدن، آهن و مواد کربنیک که در بته گلی با هم مخلوط میشدند تشکیل میشود. این مواد ساعتها باهم در کوره گداخته شده و بعد از گذشت ۲ تا ۳ روز هواخورده و سرد میشدند. محتوای این بته‌ها که شکل نصف کره بودند، بعد از خرد کردن بته‌ها بدست می‌آمد و این همان فولاد جوهر دار بوده است. این تکه فولاد جوهر دار گداخته شده و پس از چکش کاری مداوم، شکل می‌گرفتند. سپس تیغه آنرا با سنگهای سنباده صیقل داده و آنگاه با زاج شامی که حالت اسیدی دارد می‌مالیدند و باین ترتیب جوهر تیغه در می‌آمد. در طول تاریخ ایران طرحهای مختلفی از جوهر بر روی تیغه‌ها نقش بسته که بستگی به مواد ترکیبی فولاد بته‌ای و همچنین بعضی از روشهای چکش کاری داشته است. در نسخه خطی نوروزنامه که به عمر خیام نیشابوری نسبت داده شده است، از طرحهای مختلف جوهر نام برده شده است. مانند لولو (طرح جوهر دایره‌های مختلفی مانند گلوله‌های مروارید دارد) و یا طرح سیم (دارای خطوط نقره‌ای رنگ)، طرح پای مورچه و طرح

بوستانی (مراجعه شود به کتاب نگارنده: خیام نیشابوری ۵۶: ۱۳۸۲). "آداب الحرب و الشجاعة" به نوشته مبارک شاه فخر مدبر، توضیح میدهد که طرحهای فولادِ جوهر دار مختلف وجود داشته بنامهای پرالک، تراونه، روحینا، موج دریا و پر مگس. بنا به نوشته های مسافران اروپائی به ایران، نویسنده های غربی هم از نوع های دیگری از طرحهای تیغه های جوهر دار خبر می دهند مانند شامی، موجی، بگمی، آب دار، طرح چوب، قمی، گل رز و چهل نردبان یا نردبان محمد. (70: 1991 Figiel, 72-73 Sachse, 1955: 95; Yeller & Rohrer).

### نمونه های مختلف طرح های جوهر دار



همانطوریکه قبلاً گفته شد، اکثر شمشیرهای ایرانی دارای تیغه منحنی بودند و بدون ناو. اما بایستی به این مسئله هم توجه کرد که شمشیرهای ایرانی ناودار و همچنین شمشیرهای ایرانی با انحنای کم هم وجود داشته است. (کتاب نگارنده، صفحات ۱۴۵-۱۴۱). بیشتر شمشیرهای ایرانی دارای یک کلاه بودند که در زاویه ۹۰ درجه به دسته نصب میشدند. دو طرف دسته از عاج شیر ماهی، عاج فیل، چوب، شاخ گوزن، یا شاخ گاو میش ساخته می شدند و به دسته میخ پرچ میشدند. علاوه بر میخ پرچ، کلاه و دسته شمشیر به وسیله زاج سفید که نوعی چسب طبیعی بود، به زبانه شمشیر وصل میشدند. فاصله بین دو تکه دسته را با آهن و مس پر میکردد که به نام "آهنگ" معروف بود. محافظ دسته شمشیر که به نام "بلچاق" معروف بود هم از فولاد ساخته میشد که به وسیله زاج سفید به تیغه متصل میشد.

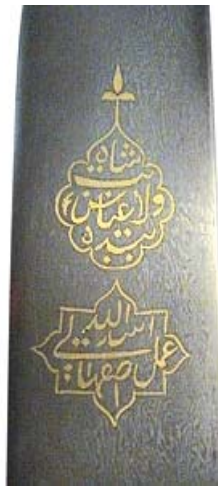
### دسته شمشیر ایرانی



تیغه های شمشیرهای ایرانی معمولاً تزئین نمیشدند به این دلیل که شمشیر سازان ایرانی زیبایی شمشیر را به طرح فولادِ جوهر دار آن می دانستند و نه به تزئیناتِ بیش از حدِ دسته و غلاف. بعضی از تیغه ها دارای کتیبه بودند. این کتیبه ها که در فولاد کنده و نوشته می شدند طلاکوبی می شدند. بعضی از این کتیبه ها دارای نوشته های " بنده شاه ولایت " و " عمل ..... " بودند. نوشته " بنده شاه ولایت " با اسامی شاهانِ مختلفِ صفوی بوده و روی شمشیرها نوشته میشد. مانند " بنده شاه ولایت طهماسب " و " بنده شاه ولایت عباس " و غیره. شاه ولایت یکی از عناوینِ علی بوده است.

کتیبه های با نگارش " عمل ..... " نشان میدهند که شمشیر بوسیله چه آهنگری ساخته شده است. ولی باید توجه داشت که کتیبه های " عمل اسداله " و " عمل کلبعلی " در روی تیغه های متفاوتی نوشته شده و با توجه به دستخط های متفاوت و همچنین تاریخهای متفاوت که روی این تیغه حک شده، ما به این نتیجه می رسیم که آهنگران مختلفی بنام اسداله و کلبعلی، شمشیرها را امضا کرده اند. باید به این مسئله توجه داشت که دستنوشته های دوره صفوی قید می کنند که سیدها خود را کلبعلی ( سگ درگاه آستان علی ) می نامیدند. حتی خود شاه عباس صفوی به این مسئله تاکید داشت که او را کلبعلی بنامند و یا " فرزند زاده اسداله ". اسداله (شیر خدا) یکی دیگر از لقب های حضرت علی بوده است. با توجه به این مسائل، به این نتیجه می رسیم که اسداله و کلبعلی عناوینی بوده اند که به احتمال زیاد آهنگران بسیاری از آنها استفاده میکردند ( همین کتاب، صفحات ۱۶۷-۱۴۸).

### کتیبه طلاکوبی "عمل اسداله اصفهانی بر روی تیغه شمشیر"



غلاف شمشیرهای ایرانی از دو تکه چوب درست میشد که به همدیگر می چسباندند. بر روی غلاف دوتکه فولادی که به نام " وربند " بودند نصب میکردند. این وربندها برای حمل کردن شمشیر استفاده میشدند. بند یا کمر بند شمشیر را از این دو وربند رد میکردند و به این وسیله شمشیر را به کمر متصل می نمودند. تزئینات روی وربندها بصورت قلم زنی و یا طلاکوبی بوده است. این تزئینات یا از آیات قرآن بودند و یا از دعاهائی مانند دعای " نادعلی " و یا تصاویر شکار و یا جنگ بین شیر و گاو بودند. سه قسمت غلاف، بین دو وربند با چرم ساغری پوشانده میشد که از چرم پوست خر تهیه میگردد. چرم ساغری بهترین و محکمترین نوع چرم بود.

برای اطلاعات بیشتر در مورد شمشیرهای ایرانی لطفاً به سایت زیر مراجعه فرمائید:

[www.arms-and-armor-from-iran.de](http://www.arms-and-armor-from-iran.de)

روزنه: برای سفارش این کتاب بی نظیر لطفاً به سایت

<http://www.legat-verlag.de/shop/index.php?>

[page=shop.product\\_details&flypage=shop.flypage&product\\_id=21&category\\_id=2&option=com\\_virtuemart&Itemid=2&Itemid=2](http://www.legat-verlag.de/shop/index.php?page=shop.product_details&flypage=shop.flypage&product_id=21&category_id=2&option=com_virtuemart&Itemid=2&Itemid=2)

مراجعه فرمائید.